

بررسی تاثیر کیفیت حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی بر چابکی بانکها با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی و مدل معادلات ساختاری

نوع مقاله: پژوهشی

بهنام کرمشاهی^۱

محمدعلی مقصودپور^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۵/۲۳

چکیده

نوین‌ترین و بهترین راه موفقیت و بقای سازمان‌ها تمرکز و توجه آن‌ها بر چابکی سازمان است. چابکی سازمان‌ها، پاسخی است جامع و آگاهانه به نیازهای در حال تغییر در بازارهای رقابتی و کسب موفقیت از فرصت‌هایی است که سازمان با آن‌ها مواجه می‌شود. شناخت عوامل اثرگذار بر چابکی سازمانی می‌تواند کمک شایانی به کسب اطلاعات لازم در محیط‌های آشفته و متلاطم نموده و به تسخیر جنبه‌های مزیتی جریان‌های در حال تغییر منجر گردد. هدف پژوهش حاضر بررسی تاثیر کیفیت حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی بر چابکی بانک‌های ایران است. به منظور آزمون الگوی پژوهش از روش‌های تحلیل عاملی تأییدی، مدل‌سازی معادلات ساختاری و رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. داده‌های مورد نیاز پژوهش به وسیله پرسشنامه از ۳۹۸ نفر از مدیران، معاونان و مسئولان ارشد بانک‌های خصوصی و دولتی در ایران جمع‌آوری شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی تاثیر مثبت و معنی‌داری بر چابکی بانک‌های ایران دارد. بدین معنی که افزایش کیفیت در ساز و کارهای حاکمیت شرکتی، توانایی بانک‌ها در واکنش به تغییرات بالقوه را افزایش می‌دهد. به مالکان و سهامداران توصیه می‌شود برای رشد ثروت خود در یک بازار رقابتی و یا جهت تثبیت وضعیت کسب و کار خود در یک محیط در حال تغییر، ساز و کارهای حاکمیت شرکتی را برقرار نمایند تا چابکی سازمانی را افزایش دهند. به سیاست‌گذاران سطوح خرد و کلان اقتصادی نیز توصیه می‌شود جهت بهبود سازوکارهای حاکمیت شرکتی مرتبط با مدیریت، نظارت و ساختار مالکیت بانک‌ها، مقررات و قوانین حاکمیت شرکتی جامع و کارایی را طراحی و تدوین نمایند و آن‌ها را به بانک‌ها ابلاغ نمایند.

۱. استادیار بخش حسابداری مجتمع آموزش عالی بافت، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران (نویسنده مسئول)
behnamkaramshahi@uk.ac.ir

۲. استادیار بخش اقتصاد، مجتمع آموزش عالی بافت، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران
maghsoudpour@uk.ac.ir

کلمات کلیدی: کیفیت حاکمیت شرکتی، بانکداری اسلامی، چابکی سازمانی، معادلات ساختاری.
طبقه بندی JEL: A10, G21, G34, M14



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

بانک‌ها به عنوان واسطه‌ی وجوه، همواره نقشی بی‌بدیل در اقتصاد هر کشور ایفا نموده‌اند. ولی ایفای این نقش، در کنار حفظ منافع سپرده‌گذاران و حفظ اعتماد و اطمینان به بانک‌ها و از سوی دیگر، پیچیدگی روز افزون در عملیات بانک‌ها و حساسیت آن‌ها به بحران نقدینگی، شرایط پیچیده‌ای را در برقراری تعادل در منافع تمام ذی‌نفعان یک بانک ایجاد کرده است. یکی از راه‌کارهای مناسب برای برقراری این تعادل، ارتقای حاکمیت شرکتی در بانک‌هاست (ذوالفقاری و همکاران، ۱۴۰۰). حاکمیت شرکتی به معنای توزیع اختیارات و بکارگیری مکانیزم‌های مناسب توسط هیات مدیره، هیات عامل و سهامداران به منظور پاسخگویی به دیگر ذی‌نفعان بانک نظیر؛ سپرده‌گذاران، مشتریان، کارکنان و به طور کلی آحاد جامعه می‌باشد (تسیم، ۲۰۱۹). حاکمیت شرکتی یکی از ساز و کارهای کنترلی است که برای مواجه شدن با مسائل ایجاد شده در نتیجه جدایی مدیریت از مالکیت، مانند مسائل نمایندگی، رفتار مدیریتی خود محورانه و خطر اخلاقی به سازمان‌ها کمک می‌کند (عیسی و عباس زاده، ۲۰۲۳).

صنعت بانکداری به علت داشتن اهرم مالی خیلی شدید، دارای ریسک‌های زیادی است. ترکیبی از دارایی‌های نقد و شبه نقد بانک‌ها را در معرض فشارها و ریسک‌های مالی قرار می‌دهد و نیاز به اقدامات نظارتی و کنترلی با جزئیات زیاد و متمایز را در آن‌ها برجسته می‌سازد (زیمون و همکاران، ۲۰۲۲). همچنین، پیچیدگی کسب و کار بانکداری و تفاوت‌های ساختاری و عملیاتی آن‌ها با دیگر کسب و کارها، سبب شده که به موضوعی جالب توجه از منظر حاکمیت شرکتی تبدیل شوند. اهمیت حاکمیت شرکتی در بانک‌ها و نیاز به نظارت بر هیات مدیره توسط کمیته بازل تأیید شده است (فیصل و همکاران، ۲۰۲۰). نکته قابل توجه این است که، ساختار بانک‌های متعارف و بانک‌های اسلامی نیز با هم فرق دارد و این مسئله باعث شده است که کیفیت مولفه‌های حاکمیت شرکتی در آن‌ها متفاوت باشد. برای مثال، سالم و همکاران (۲۰۲۱) نشان دادند که برخی از ویژگی‌های حاکمیت شرکتی مانند؛ شفافیت اطلاعات و کیفیت حسابرسی در بانک‌های متعارف پائین‌تر از بانک‌های اسلامی است. همچنین، کیفیت افشای داوطلبانه در بانک‌های اسلامی بالاست و رابطه آن با مدیریت سود منفی است. استقرار حاکمیت شرکتی موثر برای دستیابی به اعتماد عمومی و حفظ آن در سیستم بانکی از اهمیت زیادی برخوردار است. ساختارهای حاکمیت شرکتی

1. Tessem
2. Issa and Abbaszadeh
3. Zimon et all
4. Faysal et all
5. Salem et all

نقشی تعیین کننده بر شاخص‌های خرد اقتصادی دارند و شاخص‌های خرد اقتصادی نیز قدرت پیش‌بینی شاخص‌های کلان اقتصادی را به خصوص در اقتصادهای در حال توسعه دارند (صالحی و همکاران، ۲۰۲۱). بنابر این، برای دولت‌ها نیز بهینه‌سازی سیستم بانکی و اقتصاد، به عنوان یک وظیفه حاکمیتی مهم و حیاتی است. می‌توان گفت، حاکمیت شرکتی بانک‌ها می‌تواند به میزان با اهمیتی بر روی عملکرد آن‌ها، شامل سطوح چابکی تاثیرگذار باشد (بهاترای، ۲۰۱۷ و لامیچ هان، ۲۰۱۸).

از سوی دیگر، در دنیای متغیر و متلاطم کنونی، سازمان‌ها به گونه‌ای فزاینده تحت تاثیر سه پدیده رقابت، تغییر و مشتری قرار دارند و با علم به این که در محیط رقابتی نمی‌توانند با اتکال به فرایندهای ثابت به حیات خود ادامه دهند، در جستجوی راهی برای غلبه بر مشکلات و مخاطرات خود هستند. افزون بر این، منحصر به فرد بودن رویه‌ها، مقررات و استانداردهای جهانی بانک‌ها سبب شده است که این صنعت محیط کسب و کار متفاوتی داشته باشد و همچنین، با شرایط و چالش‌های خاصی مواجه شود. در پاسخ به چالش‌های بالقوه و همچنین حفظ توان رقابتی، بانک‌ها ناچارند خود را با شرایط متلاطم و محیطی وفق دهند و به اصطلاح چابک شوند و به دنبال پارادایم چابکی برای پاسخگویی به تغییرات باشند (عباسی اخگری و نصیری ولیک، ۱۴۰۰). افزون بر این، به منظور حفظ موقعیت رقابتی بانک‌ها رویه‌های نوآورانه را به کار می‌گیرند. بر طبق نظر عیسی و عباس‌زاده (۲۰۲۳) ایده بکارگیری نوآوری و رویه‌های غیر منتظره در چابکی قابل جستجو است. به عبارتی دیگر، یکی از عامل‌هایی که نقش مهمی در موفقیت بانک‌ها دارد، چابکی است. با این وجود برای چابک بودن بانک‌ها، چالش‌ها و محدودیت‌هایی وجود دارد. برای مثال؛ شکل‌های جدید رقابت و رقبا بالقوه، عدم قطعیت اقتصادی غالب بر بازارهای نوظهور، ظهور شیوه‌های جدید برآورده کردن نیازهای مشتریان، تغییر مقررات داخلی، مواجهه با جهانی سازی، بی‌ثباتی اقتصادی و محدودیت‌های مالی و همچنین، واکنش به نوسانات بیش از حد، چالش‌هایی هستند که بانک‌ها با آن‌ها مواجه می‌شوند. افزون بر این، یکی دیگر از چالش‌های سازمان‌ها در افزایش چابکی‌شان، شکست آن‌ها در پذیرش تغییرات استراتژیک و ساختاری است (دابرو و همکاران، ۲۰۰۱). در برخورد با چالش‌های چابکی، ساز و کارهای راهبری شرکتی مورد توجه قرار می‌گیرند. در این راستا حاکمیت شرکتی ساختاری را به منظور توسعه اهداف سازمان و اجرای آن‌ها و مقابله با چالش‌ها و شکست‌های سازمانی فراهم نموده و کنترل بر عملکرد را امکان پذیر می‌نماید (تسیم، ۲۰۱۹). حاکمیت شرکتی با کیفیت؛ بانک‌ها را توانا می‌سازد تا تغییرات را تشخیص داده و ضمن واکنش

1. Bhattra
2. Lamichhane
3. Dobrev

سریع، بهره لازم را از آن‌ها ببرند، همچنین، بانک‌ها بتوانند به فرایندهای مختلف جریان دهند و برای برخورد با بی‌ثباتی اقتصادی و نوسانات بیش از حد، توانایی انجام فعالیت‌ها در کمترین زمان ممکن را داشته باشند. بنابراین، بررسی تاثیر ساز و کار حاکمیت شرکتی با کیفیت بالا بر سطوح چابکی بانک‌ها می‌تواند چراغ راه پیشرفت سازمان و سبب موفقیت مالی و اقتصادی باشد (عیسی و عباس زاده، ۲۰۲۳).

با توجه به اهمیت چابکی بانک‌ها در بهبود عملکرد آن‌ها و نقش بالقوه حاکمیت شرکتی بر روی عملیات سازمانی، این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سوالات است: وضعیت اجرای حاکمیت شرکتی در بانک‌های ایران چگونه است؟ آیا وجود ساز و کار حاکمیت شرکتی با کیفیت بالا در بانک‌ها، سطح چابکی در آن‌ها را بهبود می‌بخشد؟

این پژوهش در موارد زیر به غنای ادبیات حاکمیت شرکتی و چابکی سازمانی می‌افزاید: ۱- این مطالعه یکی از نخستین مطالعاتی است که نقش ساز و کار حاکمیت شرکتی و تاثیر آن بر سطوح چابکی بانک‌ها را در ایران بررسی می‌کنند. ۲- یافته‌های این پژوهش بر مبنای پیمایش ارائه می‌شوند و مبنای مقایسه نتایج را برای پژوهش‌های آتی فراهم می‌سازد.

مبانی نظری پژوهش

حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی

تعریف‌های موجود از حاکمیت شرکتی در یک طیف وسیع قرار می‌گیرند. دیدگاه‌های محدود در یک سو و دیدگاه‌های گسترده در سوی دیگر طیف قرار دارند. در دیدگاه‌های محدود، حاکمیت شرکتی به رابطه شرکت و سهامداران محدود شده که در قالب نظریه نمایندگی بیان می‌شود. در واقع، با جدایی مالکیت از مدیریت شرکت‌ها، این امکان به وجود می‌آید که مدیران تصمیم‌هایی اتخاذ نمایند که در راستای منافع خود و مغایر با منافع سهامداران باشد. برای حصول اطمینان از ایفای مسئولیت افساء و شفافیت مناسب اطلاعات بنگاه‌های اقتصادی در مقابل عموم و افراد ذی‌نفع، باید مراقبت و نظارت کافی به عمل آید که مستلزم وجود ساز و کارهای مناسب است. از جمله این ساز و کارها، طراحی نظام راهبری شرکتی مناسب در بنگاه‌های اقتصادی و شرکت‌ها است (تقی نتاج و همکاران، ۱۳۹۷). در آن سوی طیف، حاکمیت شرکتی را می‌توان به صورت شبکه‌ای از روابط در نظر گرفت که نه تنها میان شرکت و مالکان آن‌ها (سهامداران) بلکه میان شرکت و تعداد زیادی از ذی‌نفعان از جمله کارکنان، مشتریان و تامین مالی کنندگان وجود دارد. چنین دیدگاهی در قالب نظریه ذی‌نفعان مطرح می‌شود (طباطبائی زاده و همکاران، ۱۳۹۷). سازمان همکاری و توسعه

اقتصادی^۱ اصول حاکمیت شرکتی را مبتنی بر مفاهیم رعایت حقوق ذی‌نفعان و رابطه مدیر با ذی‌نفعان در شش حوزه شامل؛ تعیین مبنا برای چارچوب موثر حاکمیت شرکتی، حقوق سهامداران و کارکردهای اصلی حاکمیتی، رفتار یکسان با ذی‌نفعان، نقش ذی‌نفعان در حاکمیت شرکتی، افشاء و شفافیت و مسئولیت‌های هیات مدیره، کنترل‌های داخلی و حسابرسی داخلی بیان نموده است (طاهری و امینی، ۱۳۹۹). امروزه حاکمیت شرکتی با هدف دستیابی به پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذی‌نفعان به عنوان ابزاری قدرتمند در راستای جلب اعتماد و اطمینان مردم به سازمان‌ها تلقی می‌گردد. از این رو حاکمیت شرکتی خوب می‌تواند نقش مهمی در توسعه اقتصادی (مالی) و اجتماعی داشته باشد (محرابی، ۱۳۹۸).

بانک‌ها در محیط منحصر به فرد نظارت عمومی و مجموعه‌ای از قوانین و مقررات بانکی فعالیت می‌کنند. چارچوب حاکمیت شرکتی در بانک‌ها به مراتب پیچیده‌تر از سایر شرکت‌ها است. ساز و کارهای حاکمیت شرکتی باعث کم شدن مشکلات نمایندگی در بانک‌ها می‌شود و کیفیت این ساز و کارها نسبی است و از بانکی به بانک دیگر متفاوت بوده و می‌تواند جنبه‌های مختلف عملکرد را تحت تاثیر قرار دهد. موضوع حاکمیت شرکتی در بانک‌ها به ویژگی‌های مدیران، ترکیب اعضای هیات مدیره و انگیزه‌های مالی و سایر انگیزه‌ها برای همسو کردن فعالیت‌های افراد دارای نقش کلیدی با منافع سهامداران بستگی دارد (اسعدی و ابری، ۱۳۹۹). به طور کلی، هدف از حاکمیت شرکتی حفظ ثروت سهامداران و حداکثرسازی ارزش‌ها در بلند مدت و محافظت از آن است. به طور خاص، حاکمیت شرکتی در بانک‌ها چارچوبی را برای مدیریت بانک‌های اسلامی و تجاری ارائه می‌کند. بر مبنای این چارچوب حقوق و وظایف تعریف می‌شوند و نقش‌ها و مسئولیت‌های همه اشخاص در برابر بانک (مانند هیات مدیره، مدیرعامل بانک و سهامداران) مشخص می‌شود. بانکداری اسلامی می‌تواند به گونه‌ای کارآ و موثر اصول حاکمیت شرکتی را اجرا نماید (ثنان و همکاران، ۲۰۲۱).

بانکداری و بخش مالی از بسیاری جهات با سایر بخش‌ها و صنایع متفاوت بوده و همین تفاوت‌ها باعث شده است که اهمیت حاکمیت شرکتی در بانک‌ها مهم‌تر از سایر بخش‌ها باشد. برخی از این تفاوت‌ها عبارتند از:

- بر خلاف نهادهای تجاری معمولی که سرمایه‌شان از طریق وجوه سهامداران تامین می‌شود، فعالیت بانک‌ها شامل وجوهی است که عمدتاً از سپرده‌ها تشکیل شده و این امر باعث می‌شود

1 . Organization for economic co-operation and development (OECD)

2. Senan et al

مسئولیت امانت‌داری بیشتری متوجه بانک‌ها باشد؛ چرا که وجوه سپرده‌گذاران باید به مناسب‌ترین گزینه سرمایه‌گذاری تخصیص یابد.

- نبود حاکمیت شرکتی در بانک‌ها می‌تواند نظام مالی را بی ثبات کرده و ریسک‌هایی نظام یافته بر اقتصاد تحمیل کند؛ چرا که با توجه به محدودیت منابع مالی در اغلب اقتصادهای دنیا، این بانک‌ها هستند که تعیین می‌کنند، کدام یک از کاربران نهایی منابع مالی را دریافت می‌کنند و ابزارهای پرداخت مربوطه را در این زمینه فراهم می‌کنند. ریسک‌های نظام یافته جهت کاهش هزینه‌های اجتماعی فعالیت‌های ریسک دار، سرانجام باعث کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران به بخش بانکی و بحران بانک خواهد شد. (عزیزی، ۱۳۹۸).

به طور کلی آثار حاکمیت شرکتی خوب در توسعه بخش بانکداری را می‌توان موارد زیر برشمرد (قلیچ، ۱۳۹۵):

- ۱- افزایش ارزش افزوده اقتصادی موسسات، دستیابی به سودآوری بیشتر و احتمال پایین‌تر شکست‌های مالی
- ۲- ارتقای نظام نظارتی و مقرراتی برای ایجاد بازارهای مالی منظم و آرام
- ۳- مدیریت موثرتر بر ریسک‌های بانکی با توجه به ارتباط آن با ساختار مالکیتی بانک‌ها
- ۴- بهبود زیر ساخت‌های سازمانی شامل قوانین، استانداردهای هماهنگ حسابداری و نظام موثر پرداخت
- ۵- افزایش نظم بازار، نظارت و حاکمیت شرکتی مانند؛ شفافیت و ارائه کافی به عموم مردم

چابکی سازمان‌ها

چابکی توانایی رشد سریع در اقتصادهای پراکنده و در حال تغییر است (عیسی و عباس‌زاده، ۲۰۲۳). چابکی توانایی شرکت‌ها در گذر از فضا و شرایط پیش‌بینی نشده و تبدیل موقعیت‌های تهدید کننده بالقوه به فرصت‌های مفید و مطلوب است (منصور نیا و همکاران، ۱۳۹۹). بر مبنای تعریف بورجسون و ماتیاسن^۱ (۲۰۰۵) چابکی به سازمان‌ها کمک می‌کند تا با سرمایه‌گذاری در فناوری اطلاعات و توسعه نرم افزاری، به صورت کاراتری به پدیده‌ها واکنش نشان دهند. دنیل و لوسیایا^۲ (۲۰۰۶) چنین بیان می‌کنند که چابکی تولید، توانایی یک شرکت در عکس العمل کارآ به تغییرات بازار، حداکثر کردن رضایت مشتری از خدمات و کالاهای ارائه شده به آن‌ها و حداقل کردن هزینه‌های تولید کالاها است. چابکی عبارتی جامع است که در تمامی زمینه‌های بنگاه از

1. Borjesson and Mathiassen

2 Daniel and Lucia

قبیل خدمات، بازاریابی، طراحی، سازمان‌دهی و افراد نفوذ می‌کند. چابکی ترکیبی از محصولات فیزیکی، خدمات و اطلاعات است که با تغییر نیازمندی‌های مشتری تغییر می‌کند (اعوانی و همکاران، ۱۳۹۶). سازمان چابک سازمانی است که می‌تواند تغییر کند و خود را با تغییرات محیطی به گونه‌ای اثر بخش وفق دهد. نظریه سازمان و مدیریت، چابکی سازمانی را مانند سیستمی باز و موجودی سازگار شونده و زنده می‌داند و سازگار شدن، انعطاف پذیری، داشتن فرهنگ تغییر و سرعت از ویژگی‌های اصلی و اولیه چابکی بر می‌شمارد (عباسی اخگری و نصیری ولیک، ۱۴۰۰). سازمان‌های چابک متمایل به استفاده از فرصت‌های بالقوه در یک محیط متلاطم و کسب یک موقعیت ثابت به خاطر نوآوری‌ها و شایستگی‌های خود می‌باشند. این سازمان‌ها تنها محصولات و خدمات خود را به فروش نمی‌رسانند و معتقدند که محصولات‌شان کامل نیست و به منظور غنی‌سازی ارزش‌های دریافتی مشتریان از خدمات، با ایجاد ارزش افزوده برای آنان سعی در غنی‌سازی خدمات خود دارند. این امر سبب غیر قابل دسترس شدن موقعیت سازمان‌های چابک برای رقبا می‌شود (چانگ و همکاران، ۲۰۱۴). چابکی جستجوی موفقیت است در مبنای رقابتی (سرعت، انعطاف-پذیری، خلاقیت، کیفیت و قابلیت سودآوری) از طریق یکپارچگی منابعی که قابلیت شکل‌دهی مجدد دارند. در صنعت بانکداری چالاکي به درجه هماهنگی و انطباق با تغییرات سریع اطلاق می‌شود (عیسی و عباس زاده، ۲۰۲۳).

ساز و کارهای حاکمیت شرکتی و چابکی بانک‌ها

کیفیت حاکمیت شرکتی با حمایت از حقوق سهامداران به ویژه پاسخگویی هیات مدیره در شرکت‌ها در خصوص آثار سوء قراردادهای مالکیت سهام، توانایی مدیران بانک‌ها و تمایل آن‌ها به تهیه و انتشار گزارش‌ها و اطلاعات مالی و غیر مالی شکل می‌گیرد. تنظیم و توسعه استانداردهای حاکمیت شرکتی در یک کشور تحت تاثیر شرایط محیطی اطراف شامل شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و همچنین ویژگی‌های حاکمیتی یک شرکت معین قرار می‌گیرد. (بهاترای، ۲۰۱۷).

ساختارهای حاکمیتی معینی از جمله هیات مدیره ممکن است بر روی چابکی شرکتی و متعاقب آن بر روی حیات شرکت و عملکرد آن تاثیر بگذارند (لن، ۲۰۲۱). هیات مدیره در یک سازمان مسئول؛ طراحی اهداف، پیشنهاد چشم‌اندازها و استراتژی‌ها، افزودن ارزش از طریق هدایت و دنبال کردن اهداف، استخدام و بکارگیری مدیران عامل و تیم مدیریت عملیاتی با استعداد، ارائه دستورالعمل برای استراتژی‌ها، توزیع قدرت میان مدیران عملیاتی به شیوه‌ای کارآمد، نظارت بر

1. Chung et al
2. Lehn

عملیات شرکت و گزارش نتایج فعالیت‌های شرکت برای ذی‌نفعان است (کولسون - توماس، ۲۰۰۷). به گفته کولسون - توماس (۲۰۲۱)، هیات مدیره مسئول تعیین اولویت‌های سازمان، پیاده‌سازی فرهنگ سازمانی مناسب و رسیدن سازمان به اهداف از پیش تعیین شده می‌باشند. همچنین، فرض بر این است که هیات مدیره کنترل‌های موثری را اجرا می‌کنند تا این اطمینان حاصل شود که مدیران عامل و اجرایی وظیفه عاملیت خود را به خوبی انجام دهند. علاوه بر این، یکی از وظایف هیات مدیره، تدوین استراتژی‌های پیش‌بینی کننده است. اعمال استراتژی‌های پیش‌بینی کننده نیازمند کار و تلاش برای ارتقای چابکی شرکتی از طریق پیش‌بینی شرایط بازار، سناریوهای عملی برنامه‌ریزی شده و ارزیابی نتایج بالقوه است، به گونه‌ای که توسط رقبا قابل پیش‌بینی نباشد. در چنین شرایطی رویه‌ها و عملکرد و فضای کسب و کار باید تحت نظارت دائمی باشد و اصلاحات و تصحیح‌های لازم ممکن است در عملیات و فعالیت‌های شرکتی اعمال شوند. فرآیند فوق‌الذکر باید به منظور ارزیابی پاسخگویی سیستم به کار گرفته شده و برآورده شدن هدف‌های شرکتی، به ذی‌نفعان گزارش شوند (کولسون - توماس، ۲۰۰۷). هیات مدیره برای بهبود توانایی شرکت در سازگاری با رویه‌های لازم و ایجاد تغییرات لازم و به هنگام، باید ساختارهای عملیاتی مناسبی را مستقر کنند. توانایی یک مدیر در کمک به شرکت در شرایط عدم اطمینان، قدرت تفکر و به طور خاص تفکر استراتژیک نامیده می‌شود (کالسون - توماس، ۲۰۲۱). دانشمندان چابکی استراتژیک را توانایی فردی مدیران در حفظ انعطاف پذیری در شرایط سخت تعریف کرده‌اند که در آن ایده‌ها و نظریه‌های جدید از طریق ارزیابی دائمی و تغییر عملیات استراتژیک یک شرکت توسعه می‌یابند (وبر و تاربا، ۲۰۱۴). دوز (۲۰۲۰) چنین بحث می‌کند که چابکی استراتژیک به میزان با اهمیتی به مهارت‌ها و توانایی‌های تیم مدیریت سازمان می‌افزاید و منجر به انتخاب و اعمال فعالیت‌های استراتژیک هیات مدیره می‌شود. همچنین، یکی از مهم‌ترین ابعاد ساختار حاکمیتی متمرکز بودن یا نبودن حدود فرآیند تصمیم‌گیری است. به احتمال زیاد به دو دلیل در یک ساختار حاکمیتی غیر متمرکز چابکی سازمان افزایش می‌یابد و این امر برای عملیات در محیط‌های به سرعت در حال تغییر یک شایستگی و امتیاز محسوب می‌شود. نخست این‌که، دانش لازم برای افزایش چابکی شرکتی، همه در یک فرد تجمیع نمی‌شوند. دوم این‌که، رفع مسائل اقتصادی در زمان کم و وضعیت محیطی به شدت در حال تغییر، نیازمند قضاوت و تصمیم‌گیری سریع است که این امر از طریق تفویض اختیار به افراد آشنا به وضعیت ایجاد شده و کسانی است که شاهد این تغییرات بوده و منابع و ابزارهای لازم را برای پاسخگویی به تغییرات در اختیار دارند (عیسی و

1. Weber and Tarba
2. Doz

عباس زاده، ۲۰۲۳). افزون بر این، تحقیقات گذشته نشان می‌دهد که چابکی شرکتی ممکن است با سایر ویژگی‌های هیات مدیره از جمله (۱) اندازه هیات مدیره و (۲) ساختار هیات مدیره همبستگی داشته باشد. لن و همکاران (۲۰۲۱) نشان دادند که شرکت‌های با فرصت رشد بالاتر تمایل به تشکیل هیات مدیره کوچک‌تری دارند و آن‌ها برای فرآیندهای تصمیم‌گیری فوری که توسط هیات مدیره‌های کوچک‌تر هدایت می‌شوند، ارزش قائل می‌شوند. افزون بر این، شرکت‌ها ممکن است برای رقابت در فضایی که به سرعت در حال تغییر است، جهت ارتقای چابکی از مدیران خارجی استفاده نمایند. زیرا مدیران خارجی در اجرای نقش‌های نظارتی موثر، خدمات مشاوره‌ای ارزشمندتری را ارائه می‌دهند و می‌توانند دانش یا مهارت خاصی در استفاده از فناوری اطلاعات مدرن و به روز داشته باشند. در مجموع با توجه به مباحث فوق می‌توان پیش‌بینی نمود که ساز و کارهای حاکمیت شرکتی مرتبط با ویژگی‌های هیات مدیره مانند؛ هیات مدیره متمرکز و غیر متمرکز، اندازه و ساختار سطوح چابکی سازمانی را مشخص می‌کنند.

از سوی دیگر، محققان نشان داده‌اند که مسئله نمایندگی - مدیریتی در شرکت‌های با ساختار مالکیت دوگانه شدت بیشتری دارد. برخی سیاست‌گذاران توزیع سهام با ویژگی داشتن حق رای متفاوت را امری نا مطلوب برای سهامداران خارجی قلمداد می‌کنند. زیرا سهامداران داخلی (مدیران، موسسان و ...) ممکن است از حق رای خود برای افزایش دادن ثروت خود استفاده کنند و هزینه این کار را سهامداران خارج از شرکت پرداخت می‌کنند. در مقابل لن (۲۰۲۱) چنین بحث می‌کند که مدیران تصمیم‌گیر همان سهامداران کنترل‌کننده داخلی هستند و تحت کنترل آن‌ها چابکی شرکتی ارتقا می‌یابد. چنین پدیده‌ای را می‌توان در شرکت‌های فناوری اطلاعات مانند فیس بوک، نتفلیکس و آلفابت که دارای ساختار مالکیت دوگانه هستند مشاهده کرد. در موفقیت این شرکت‌ها چابکی شرکتی نقشی ارزشمند دارد. همچنین، ساختار سرمایه نیز ممکن است به عنوان یک عامل موثر در چابکی شرکتی در نظر گرفته شود. همان گونه که در مبانی نظری نشان داده شده است یکی از مزایای داشتن اهرم مالی زیاد این است که مدیران اجرایی را در بیش سرمایه‌گذاری محدود می‌کند. اهمیت این موضوع زمانی مشخص می‌شود که یک شرکت جریان‌های نقدی آزاد زیادی تولید می‌کند، اما فرصت‌های رشد محدود می‌باشند (عیسی و عباس‌زاده، ۲۰۲۳). البته اگر شرکت در محیطی فعالیت کند که به سرعت در حال تغییر باشد، برای بهبود رقابت پذیری و تضمین حیات خود نیازمند سرمایه‌گذاری جدید است و این مزیت تبدیل به یک اشکال می‌شود. با توجه به مطالب فوق، ساختار مالکیت و ساختار سرمایه از دیگر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی هستند که به احتمال زیاد بر روی سطح چابکی سازمانی، به خصوص در صنعت بانکداری، تاثیرگذار هستند.

استقرار یک نظام جامع و موثر راهبری شرکتی می‌تواند بر توسعه و کارایی بازارهای مالی، تخصیص بهینه منابع، جلوگیری از مواجه شدن بانک‌ها با بحران نقدینگی و ورشکستگی آن‌ها تاثیرگذار باشد. در این راستا کمیته نظارتی بانکی بال اقدام به انتشار اسناد راهبری شرکتی برای بانک‌ها نموده است. یکی از مهم‌ترین این ساز و کارهای کنترلی و حاکمیتی که زمینه هدایت اثربخش و کارای سازمان‌ها را فراهم می‌آورد، مجموعه تدابیری است که از آن‌ها تحت عنوان کنترل‌های داخلی یاد می‌شود. کمیته حسابرسی بهترین گزینه برای دستیابی به اهداف سازمانی از سوی ارکان نظارتی واحد اقتصادی است. افزون بر این، کمیته حسابرسی یکی از عناصر اصلی تصمیم‌گیری در واحدهای اقتصادی است که ضمن جلب اعتماد سهامداران، می‌تواند ارزش بنگاه اقتصادی و در نهایت ثروت سهامداران را افزایش دهد. ویژگی‌های کمیته حسابرسی از جمله استقلال آن موجب افزایش ارزش بنگاه‌های اقتصادی، بهبود کیفیت گزارشگری مالی، کاهش مدیریت سود، بهبود کیفیت افشاء و چابکی شرکت می‌شود (فتحی و حسن پور، ۱۴۰۱). نگوین (۲۰۲۲) نشان داد که یک رابطه مثبت و معنی‌دار میان کارایی کمیته حسابرسی و ثبات بانک‌ها وجود دارد و این امر به سلامت بانک‌ها و کیفیت نهادی بستگی دارد. یافته‌های جلالی و ذوقلمی (۲۰۲۲) نیز نشان داد که حاکمیت ریسک رابطه میان حاکمیت شرکتی و عملکرد بانک‌ها را تبیین می‌کند و ساز و کارهای حاکمیت شرکتی داخلی بهتر از ساز و کارهای بیرونی عملکرد شرکت را بهبود می‌بخشند.

شفافیت گزارش‌گری نیز یکی از ارکان‌های حاکمیت شرکتی است. یک سازمان شفاف سازمانی است که افراد درون و بیرون آن بتوانند به منظور شکل دادن به نظرات خود و اخذ تصمیمات لازم در مورد فرآیندها و اقدامات درون آن سازمان، اطلاعات مورد نیازشان را به دست آورند. از دیدگاه برخی از محققان شفافیت پیش نیاز عملکرد موثر سازمان است و اغلب سبب ایجاد سازمان‌هایی با اثربخشی بالا می‌شود. عباسی اخگری و نصیری ولیک (۱۴۰۰) نشان دادند که شفافیت سازمانی و مولفه‌های آن، پیش‌بینی‌کننده چابکی سازمانی و مولفه‌های آن می‌باشند. ال کارانی (۲۰۲۲) نیز دریافت که معیارهای حاکمیت شرکتی تاثیر مثبت و معنی داری بر روی عملکرد مالی بانک‌ها دارند.

مطابق یافته‌های نظری و تجربی فوق فرضیه پژوهش بدین گونه تدوین می‌شود:

کیفیت حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی تاثیر مثبت و معنی‌داری بر چابکی بانک‌های ایرانی دارد.

پیشینه پژوهش

میرچاندانی و کوپتا (۲۰۱۸) در مطالعه خود به بررسی تاثیر ساختار مالکیت و حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانک‌های منتخب امارات متحده عربی پرداختند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که بین حاکمیت شرکتی و عملکرد بانک‌ها رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

لن (۲۰۲۱) در پژوهشی به بررسی رابطه حاکمیت شرکتی و چابکی شرکتی پرداخت. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که بین تمرکز تصمیم‌گیری در شرکت‌ها و چابکی رابطه معکوس وجود دارد و عدم تمرکز در تصمیم‌گیری به خصوص در محیط‌هایی که به سرعت در حال تغییر هستند، سبب افزایش چابکی و بهبود عملکرد می‌شود. همچنین، یافته‌های این مطالعه نشان داد که ساختارهای حاکمیتی خاص مانند کنترل‌های داخلی هدایت‌کننده مدیران و ناظر بر رفتار آن‌ها و همچنین، سهام با ویژگی‌های دوگانه ممکن است چابکی را افزایش دهند و در نتیجه عملکرد شرکت و شانس بقای آن را افزایش می‌دهند.

عیسی و عباس زاده (۲۰۲۳) به بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر چابکی بانک‌های عراق پرداختند. آن‌ها برای آزمون فرضیه‌های خود از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده کردند. از مجموع پرسشنامه‌های توزیع شده میان مدیران، کارکنان و مشتریان بانک‌های خصوصی و دولتی در عراق، ۷۰ پرسشنامه جمع‌آوری گردید. یافته‌های آن‌ها نشان دهنده تاثیر مثبت و معنی‌دار حاکمیت شرکتی بر چابکی بانک‌های عراق است.

طبائی زاده و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر سلامت مالی بانک‌های تجاری ایران پرداختند. برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و رگرسیون چند متغیره استفاده شده و در نهایت برای تعیین اثرات متقابل از طریق معادلات ساختاری از نرم افزار لیزرل استفاده شده است. تحلیل نتایج بر اساس فرضیه‌های تحقیق حاکی از آن است که شاخص‌های حاکمیت شرکتی موجب بهبود در شاخص‌های سلامت مالی می‌شوند و در نهایت این شاخص‌ها موجب تاثیر بر شاخص سود آوری خواهد شد.

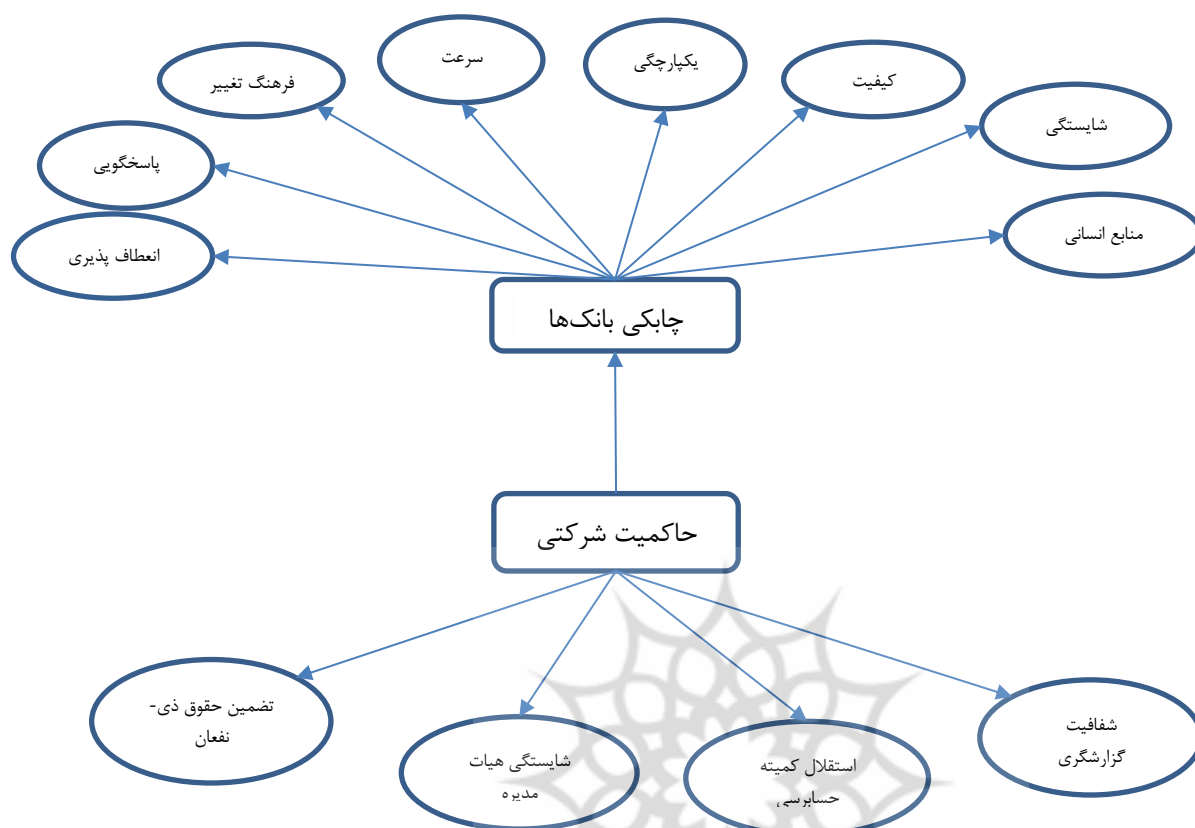
تقی نتاج و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به ارزیابی و محاسبه میزان اثر گذاری ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر عملکرد نظام بانکی با تاکید بر نقش تعدیل‌کنندگی کیفیت افشاء پرداختند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد که کیفیت حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی تاثیر مثبت و معنی‌داری دارد ولی کیفیت افشاء تاثیر معنی‌داری بر تعامل میان کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی بانک‌ها ندارد.

منصور نیا و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی کیفی به شناسایی عوامل اثرگذار بر چابکی سازمانی در دانشگاه فرهنگیان پرداختند. نتایج حاصل از تحلیل محتوای کیفی مصاحبه‌های صورت گرفته نشان داد که عوامل اثرگذار بر چابکی در دانشگاه شامل؛ عوامل سازمانی (ساختار، تفویض اختیار، فرهنگ سازمانی)، عوامل راهبردی (بهبود کیفیت، سیاست‌های آموزشی و پژوهشی، توسعه فناوری) و عوامل انسانی (مدیران، کارکنان و اعضای هیات علمی)، می‌باشند.

طاهری و امینی (۱۳۹۹) در پژوهشی به عنوان نقش حاکمیت شرکتی در مدیریت ذی‌نفعان در بانکداری اسلامی، به این نتیجه رسیدند که نقش حاکمیت شرکتی همسویی منافع بین مدیران و سهامداران و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی است و مبتنی بر متون اسلامی هدف حاکمیت شرکتی مبتنی بر رعایت حقوق تمامی ذی‌نفعان و رعایت اصولی توازن بین حقوق برابر سهامداران و سایر ذی‌نفعان مطرح است.

مدل پژوهش





شکل شماره (۱): مدل مفهومی پژوهش

منبع: مبانی نظری پژوهش

روش پژوهش

این پژوهش از حیث هدف از نوع کاربردی بوده و ترکیبی از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی است و در دسته پژوهش‌های کمی طبقه‌بندی می‌شود. روش پژوهش حاضر توصیفی پیمایشی و از حیث روش انجام، جزء مطالعات همبستگی است. در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شد. برای تهیه پرسشنامه، پژوهش‌های نظری و کاربردی مرتبط بررسی و بر مبنای آن‌ها متغیرها و معیارهای اندازه‌گیری استخراج و بر پایه آن‌ها ۷۲ سوال طراحی گردید. جامعه آماری پژوهش حاضر روسا و معاونین و مسئولین ارشد بانک‌ها در سال ۱۴۰۲ می‌باشند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزارهای SPSS 23 و Smart PLS3 استفاده شده است. حجم

نمونه با استفاده از فرمول کوکران در سطح خطای ۵٪ و حجم نمونه نامعلوم، ۳۸۴ به دست آمد. با این حال به منظور افزایش روایی پژوهش و توجه به عدم پاسخ برخی از پاسخ دهندگان به پرسشنامه، تعداد ۴۵۷ عدد پرسشنامه یا به صورت الکترونیک از طریق رسانه‌های اجتماعی ارسال شد و یا به صورت حضوری از پرسش‌شوندگان درخواست شد که پرسشنامه را از طریق تبلت پژوهش‌گر تکمیل نمایند. از مجموع ۴۵۷ عدد پرسشنامه، ۳۹۸ عدد آن برگشت داده شد که قابل استفاده بود. برای اندازه‌گیری متغیرها از طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

طبق اطلاعات جدول (۱) ملاحظه می‌شود که بیشتر افراد به لحاظ سابقه خدمتی بین ۱۱ تا ۱۵ سال می‌باشند و به لحاظ سنی؛ ۶۹ نفر دارای سن ۲۶ تا ۳۰ سال، ۱۰۴ نفر دارای سن ۳۱ تا ۳۵ سال، ۱۳۴ نفر دارای سن ۳۶ تا ۴۰ سال و ۹۱ نفر بالاتر از ۴۱ سال بودند و به لحاظ تحصیلات از بین ۳۹۸ نفر پاسخگو به پرسشنامه؛ ۱۲ نفر دارای تحصیلات کاردانی و کمتر، ۲۰۹ نفر دارای تحصیلات کارشناسی، ۱۵۸ نفر دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و ۱۹ نفر دارای تحصیلات دکترا می‌باشند. از نظر رشته تحصیلی ۱۳۲ نفر فارغ التحصیل حسابداری و حسابرسی، ۱۰۸ نفر فارغ التحصیل اقتصاد، ۶۶ نفر فارغ التحصیل مدیریت مالی و ۹۲ نفر در مابقی رشته‌ها فارغ التحصیل شده‌اند. از ۳۹۸ نفر پاسخگو ۳۰۷ نفر مرد و ۹۱ نفر زن می‌باشند.

جدول (۱): آمار توصیفی ویژگی‌های جمعیت‌شناسی

سابقه خدمت	فراوانی	سن	فراوانی	رشته تحصیلی	فراوانی	تحصیلات	فراوانی
۱ تا ۵ سال	۳۳	۲۶ تا ۳۰ سال	۶۹	حسابداری و حسابرسی	۱۳۲	کاردانی و کمتر	۱۲
۶ تا ۱۰ سال	۷۳	۳۱ تا ۳۵ سال	۱۰۴	اقتصاد	۱۰۸	کارشناسی	۲۰۹
۱۱ تا ۱۵ سال	۱۶۰	۳۶ تا ۴۰ سال	۱۳۴	مدیریت مالی	۶۶	کارشناسی ارشد	۱۵۸
بیش از ۱۵ سال	۱۳۲	۴۱ سال و بالاتر	۹۱	سایر	۹۲	دکترا	۱۹
کل	۳۹۸	کل	۳۹۸	کل	۳۹۸	کل	۳۹۸

منبع: داده‌های پژوهش

برای بررسی پرسشنامه پژوهش از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شده است. جدول (۲) نتایج مربوط به تحلیل عاملی تأییدی پرسشنامه پژوهش را نشان می‌دهد. شاخص t در مورد رابطه بین سوالات با عامل‌های مربوطه نشان می‌دهد که مقدار t در همه سوالات بالاتر از $1/96$ بوده است که بیانگر رابطه معنادار میان سوالات و عامل‌های مربوط است. بدین معنی که سوالات قادر به پیشگویی در مورد عامل‌ها می‌باشند.

جدول (۲): تحلیل عاملی تأییدی پرسشنامه

ردیف	زیر سازه	سوالات	میانگین	انحراف استاندارد	بار عاملی	ارزش t
۱	انعطاف پذیری	Q ₁	۳/۱۴	۰/۷۳	۰/۸۰۴	۶/۲۵
۲		Q ₂	۳/۶۴	۰/۶۶	۰/۶۳۵	۷/۲۴
۳		Q ₃	۳/۲۸	۰/۹۱	۰/۷۲۱	۵/۱۴
۴	پاسخگویی	Q ₄	۳/۵۳	۰/۷۵	۰/۶۹۸	۵/۴۲
۵		Q ₅	۳/۱۲	۰/۵۸	۰/۷۰۴	۶/۹۲
۶		Q ₆	۳/۰۱	۰/۶۲	۰/۷۰۶	۶/۴۲
۷	فرهنگ تغییر	Q ₇	۲/۹۸	۰/۷۴	۰/۷۲۳	۷/۵۵
۸		Q ₈	۳/۰۸	۰/۵۸	۰/۸۲۷	۵/۹۲
۹		Q ₉	۳/۵۲	۰/۶۲	۰/۷۵۳	۳/۸۷
۱۰	سرعت	Q ₁₀	۴/۱۰	۰/۵۲	۰/۶۹۸	۵/۲۶
۱۱		Q ₁₁	۳/۶۲	۰/۶۲	۰/۸۶۷	۵/۴۲
۱۲		Q ₁₂	۳/۷۸	۰/۸۱	۰/۹۰۴	۵/۵۶
۱۳	یکپارچگی	Q ₁₃	۳/۳۳	۰/۶۹	۰/۸۶۴	۳/۲۲
۱۴		Q ₁₄	۳/۱۴	۰/۶۴	۰/۹۰۷	۷/۳۶
۱۵		Q ₁₅	۲/۸۷	۰/۸۸	۰/۹۱۲	۵/۳۹
۱۶	کیفیت	Q ₁₆	۳/۹۸	۰/۷۴	۰/۸۹۶	۴/۷۲
۱۷		Q ₁₇	۳/۵۱	۰/۶۵	۰/۸۷۱	۲/۴۱
۱۸		Q ₁₈	۳/۱۷	۰/۷۳	۰/۸۷۷	۶/۲۷
۱۹	شایستگی	Q ₁₉	۲/۷۲	۰/۸۴	۰/۸۵۷	۵/۸۸
۲۰		Q ₂₀	۲/۹۴	۰/۷۶	۰/۸۰۱	۳/۸۶
۲۱		Q ₂₁	۳/۳۲	۰/۷۴	۰/۸۸۶	۶/۵۲

ردیف	زیر سازه	سوالات	میانگین	انحراف استاندارد	بار عاملی	ارزش t
۲۲	منابع انسانی	Q22	۳/۶۷	۰/۷۳	۰/۹۰۸	۵/۴۲
۲۳		Q23	۳/۱۲	۰/۸۸	۰/۷۰۲	۳/۴۹
۲۴		Q24	۳/۶۸	۰/۸۱	۰/۷۱۸	۵/۲۶
۲۵		Q25	۲/۷۸	۰/۶۲	۰/۷۲۹	۳/۲۶
۲۶		Q26	۲/۹۶	۰/۵۸	۰/۷۵۲	۳/۹۴
۲۷		Q27	۳/۱۴	۰/۵۶	۰/۷۸۲	۵/۵۶
۲۸		Q28	۳/۳۳	۰/۶۸	۰/۹۰۳	۶/۸۲
۲۹		Q29	۲/۹۸	۰/۴۹	۰/۸۸۵	۶/۹۳
۳۰		Q30	۳/۰۴	۰/۵۴	۰/۹۱۲	۶/۳۲
۳۱	تضمین حقوق ذی- نفعان	Q31	۳/۱۴	۰/۶۶	۰/۸۲۷	۵/۴۵
۳۲		Q32	۳/۳۲	۰/۶۲	۰/۸۷۱	۵/۸۶
۳۳		Q33	۲/۶۸	۰/۵۴	۰/۸۷۷	۶/۱۲
۳۴		Q34	۳/۳۲	۰/۴۸	۰/۹۰۳	۷/۱۵
۳۵		Q35	۲/۹۶	۰/۶۲	۰/۸۹۸	۴/۶۸
۳۶		Q36	۳/۰۷	۰/۷۱	۰/۹۲۱	۷/۶۷
۳۷		Q37	۳/۱۲	۰/۶۸	۰/۹۰۸	۵/۶۶
۳۸		Q38	۳/۰۴	۰/۷۲	۰/۸۸۳	۶/۲۹
۳۹		Q39	۲/۷۸	۰/۶۲	۰/۷۶۲	۳/۸۹
۴۰	شایستگی هیات مدیره	Q40	۲/۸۹	۰/۶۴	۰/۷۸۷	۴/۳۶
۴۱		Q41	۳/۱۶	۰/۶۰	۰/۸۱۴	۷/۵۴
۴۲		Q42	۳/۱۲	۰/۸۶	۰/۷۹۸	۳/۸۸
۴۳		Q43	۲/۹۸	۰/۶۲	۰/۸۵۴	۶/۷۲
۴۴		Q44	۲/۸۷	۰/۹۴	۰/۸۵۶	۴/۸۳
۴۵		Q45	۲/۹۲	۰/۷۶	۰/۷۸۶	۲/۹۸
۴۶		Q46	۳/۰۲	۰/۹۶	۰/۸۶۹	۵/۱۸
۴۷		Q47	۳/۱۲	۰/۸۴	۰/۸۰۲	۵/۶۰
۴۸		Q48	۲/۶۸	۱/۰۰	۰/۸۴۵	۴/۱۸
۴۹	Q49	۳/۴۰	۱/۰۶	۰/۸۳۹	۷/۱۸	
۵۰	Q50	۳/۶۲	۰/۷۸	۰/۶۱۴	۵/۳۶	

ردیف	زیر سازه	سوالات	میانگین	انحراف استاندارد	بار عاملی	ارزش t
۵۱	استقلال کمیته حسابرسی	Q51	۳/۳۴	۰/۹۵	۰/۵۴۰	۴/۳۳
۵۲		Q52	۳/۲۳	۰/۶۸	۰/۶۳۱	۵/۳۹
۵۳		Q53	۳/۵۲	۰/۵۹	۰/۶۴۸	۵/۳۶
۵۴		Q54	۳/۲۹	۰/۷۶	۰/۶۰۴	۶/۵۲
۵۵		Q55	۳/۱۸	۰/۷۹	۰/۷۰۶	۴/۳۷
۵۶		Q56	۳/۱۰	۱	۰/۶۲۳	۴/۸۲
۵۷		Q57	۳/۲۲	۰/۷۲	۰/۷۲۷	۶/۷۸
۵۸		Q58	۳/۰۸	۰/۶۸	۰/۶۵۳	۳/۶۹
۵۹	شفافیت گزارشگری	Q59	۲/۹۶	۰/۷۸	۰/۵۳۷	۴/۵۲
۶۰		Q60	۳/۰۲	۰/۸۸	۰/۶۳۲	۵/۱۴
۶۱		Q61	۳/۱۶	۰/۷۹	۰/۵۹۸	۴/۳۷
۶۲		Q62	۲/۸۸	۰/۷۸	۰/۶۵۲	۵/۴۲
۶۳		Q63	۲/۶۸	۰/۶۵	۱/۶۷۲	۶/۶۵
۶۴		Q64	۲/۹۲	۰/۷۲	۰/۵۹۸	۵/۳۲
۶۵		Q65	۳/۰۶	۰/۶۹	۰/۶۸۹	۴/۴۹
۶۶		Q66	۳/۱۲	۰/۵۹	۰/۶۵۴	۳/۳۸
۶۷		Q67	۲/۹۴	۰/۶۴	۰/۶۹۸	۶/۴۲

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج جدول (۳) به توصیف خرده مقیاس‌های چابکی بانک‌ها و حاکمیت شرکتی و همچنین مقادیر آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌ها برای سنجش سازگاری درونی پرسشنامه می‌پردازد. از آن جا که مقادیر آلفای کرونباخ بین ۰/۷۶۸ و ۰/۹۳۸ است، پرسشنامه از سازگاری درونی (پایایی) مناسبی برخوردار است.

جدول (۴) مقادیر نیکویی برازش را نشان می‌دهد. مهم‌ترین آماره برازش، مجذور خی است. این آماره، میزان تفاوت ماتریس مشاهده شده و برآورد شده را اندازه می‌گیرد. این آماره به حجم نمونه بسیار حساس است. بنابراین مقدار آن بر درجه آزادی تقسیم می‌شود. اگر نتیجه از ۲ کمتر باشد، مناسب است. همان‌گونه که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، این مقدار کمتر از ۲ است.

جدول (۳): ویژگی‌های توصیفی خرده مقیاس‌های پرسشنامه و آلفای کرونباخ

ابعاد ارزیابی عملکرد	میانگین	انحراف استاندارد	ارزش t	آلفای کرونباخ
انعطاف پذیری	۳/۳۵	۰/۷۷	۷/۲۴	۰/۸۶۶
پاسخگویی	۳/۲۲	۰/۶۵	۷/۵۶	۰/۹۰۶
فرهنگ تغییر	۳/۱۹	۰/۶۴	۱۱/۰۸	۰/۸۹۹
سرعت	۳/۸۳	۰/۶۵	۸/۶۵	۰/۷۶۸
یکپارچگی	۳/۱۱	۰/۷۴	۱۰/۳۲	۰/۸۳۶
کیفیت	۳/۵۵	۰/۷۰	۱۲/۴۲	۰/۹۱۰
شایستگی	۲/۹۹	۰/۷۸	۶/۶۰	۰/۸۷۳
منابع انسانی	۳/۴۹	۰/۸۱	۸/۳۸	۰/۸۹۴
تضمین حقوق ذی نفعان	۳/۰۷	۰/۵۸	۷/۹۳	۰/۹۲۲
شایستگی هیات مدیره	۲/۹۸	۰/۷۵	۵/۴۲	۰/۸۴۴
استقلال کمیته حسابرسی	۳/۲۹	۰/۸۰	۹/۹۴	۰/۷۹۸
شفافیت گزارشگری	۲/۹۷	۰/۷۲	۷/۱۸	۰/۹۳۸

منبع: یافته‌های پژوهش

از دیگر شاخص‌های نیکویی برازش شاخص برازش تطبیقی بنتلر CFI است که نشان دهنده برازش قابل قبول و مطلوب مدل است. مقدار ریشه میانگین مربع برآورد تقریب RMSEA، ۰/۰۲۸ است و با توجه به این که از ۰/۰۵ کمتر است، قابل قبول و نشان دهنده تأیید مدل پژوهش است.

جدول (۴): مقادیر نیکویی برازش پرسشنامه

شاخص‌های برازش	مقادیر مشاهده شده	حداقل مقادیر قابل قبول
سطح معناداری خی دو	۰/۰۰۰	-
نسبت مجذور خی به درجه آزادی	۱/۱۴۸	کمتر از ۲
شاخص برازش تطبیقی بنتلر (CFI)	۰/۹۸	بالاتر از ۰/۹۰
شاخص ریشه میانگین مجذور برآورد تقریب (RMSEA)	۰/۰۲۸	کمتر از ۰/۰۸
شاخص نیکویی برازش مقتصد (PGFI)	۰/۶۵	بالاتر از ۰/۵۰

شخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۹۸	بالتر از ۰/۹۰
شخص نیکویی برازش تاکرلويس (NNFE)	۰/۹۶	بالتر از ۰/۹۰

منبع: یافته‌های پژوهش

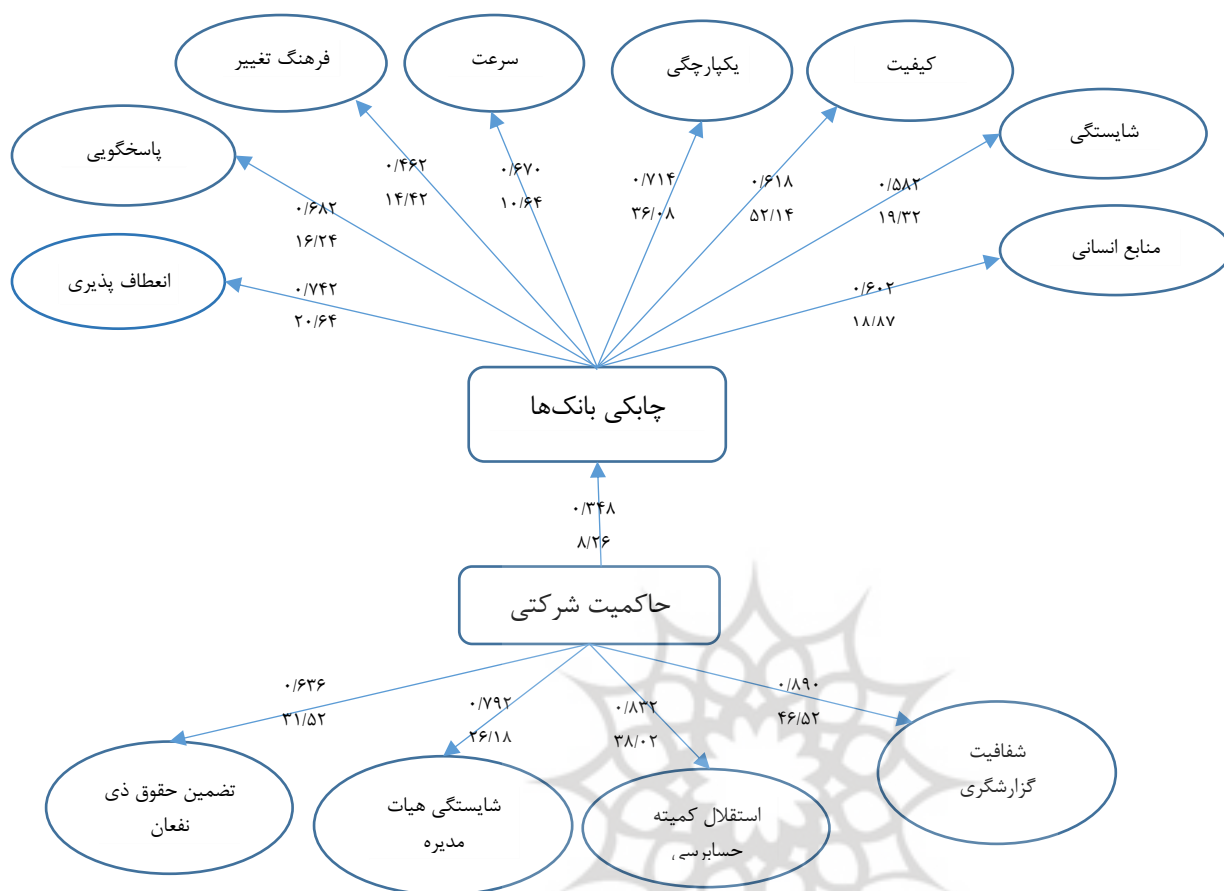
جدول (۵): ماتریس همبستگی متغیرهای پنهان پژوهش

نام متغیر	ردیف	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
انعطاف پذیری	۱														
پاسخگویی	۲	۰/۴۲*													
فرهنگ تغییر	۳	۰/۵۸*	۰/۴۶												
سرعت	۴	-۰/۵۵	-۰/۶۴	۰/۵۴											
یکپارچگی	۵	۰/۴۷	۰/۳۹	۰/۴۲	۰/۴۸										
کیفیت	۶	-۰/۳۶	۰/۵۸	۰/۴۲	-۰/۳۲	۰/۳۵									
شایستگی	۷	۰/۰۸	۰/۶۲	-۰/۱۶	-۰/۲۴	۰/۳۶	۰/۳۴								
منابع انسانی	۸	۰/۴۴	-۰/۴۳	-۰/۲۸	-۰/۳۶	۰/۵۲	۰/۴۴	۰/۳۷							
چابکی بانک‌ها	۹	۰/۵۸*	۰/۵۰	-۰/۳۸*	۰/۴۵*	۰/۶۸*	۰/۲۴*	۰/۵۰*	۰/۸۴*						
تضمین حقوق	۱۰	-۰/۵۶	۰/۶۱	-۰/۰۶	-۰/۲۶*	۰/۴۲*	۰/۵۴*	۰/۳۲	۰/۳۸	۰/۲۶					
صلاحیت هیات مدیره	۱۱	۰/۴۱*	۰/۵۲	۰/۴۴	۰/۳۲	۰/۴۲	۰/۲۸	۰/۳۶	۰/۰۸	۰/۳۲	۰/۳۶				
استقلال کمیته	۱۲	۰/۶۲	-۰/۱۲	-۰/۲۷	۰/۱۸	۰/۰۹۷	۰/۱۷	۰/۱۶	۰/۳۸	۰/۶۳	۰/۴۸	-۰/۲۴			
شفافیت گزارشگری	۱۳	-۰/۳۶*	۰/۴۵	۰/۳۸*	۰/۰۸	۰/۱۲	۰/۲۴*	۰/۲۶	۰/۴۲	۰/۵۶*	۰/۷۲*	۰/۳۲*	۰/۲۴*		
حاکمیت شرکتی	۱۴	۰/۴۳	۰/۴۸	۰/۳۲	۰/۰۹	۰/۳۶	۰/۲۴	۰/۱۷	۰/۳۶	۰/۶۲	۰/۵۶*	۰/۴۸*	۰/۴۲*	۰/۶۸*	

*سطح معناداری ۰/۰۰۱

منبع: یافته‌های پژوهش





شکل ۲: ضرایب مسیر مدل سازی معادلات ساختاری

منبع: یافته‌های پژوهش

بر طبق نتایج ماتریس همبستگی نشان داده شده در جدول ۵، رابطه خطی مثبت و معناداری (در سطح معناداری ۰/۰۰۱) میان اجزاء چابکی بانکها (انعطاف پذیری، پاسخگویی، فرهنگ تغییر، سرعت، یکپارچگی، کیفیت، شایستگی و منابع انسانی) و چابکی بانکها رابطه وجود دارد. شکل ۲ اثر حاکمیت شرکتی بر چابکی بانکها را نشان می‌دهد. ضرائب مسیر خرده مقیاس‌های انعطاف-پذیری، پاسخگویی، فرهنگ تغییر، سرعت، یکپارچگی، کیفیت، شایستگی و منابع انسانی به چابکی بانکها به ترتیب: ۰/۷۴۲، ۰/۶۸۲، ۰/۴۶۲، ۰/۶۷۰، ۰/۷۱۴، ۰/۶۱۸، ۰/۵۸۲، ۰/۶۰۲ است که همگی در سطح اطمینان ۹۹ درصد و معنی دار می‌باشند. افزون بر این، ۴ محور حاکمیت شرکتی

یعنی؛ تضمین حقوق ذی‌نفعان، شایستگی هیات مدیره، استقلال کمیته حسابرسی و شفافیت گزارشگری با ضرایب مسیر به ترتیب ۰/۶۳۶، ۰/۸۳۲، ۰/۸۹۰ و ۰/۸۹۰، بر روی حاکمیت شرکتی اثر مثبت و معنی‌داری دارند. همان‌گونه که مشخص است متغیر حاکمیت شرکتی نیز اثر مثبت و معنی‌داری بر روی چابکی بانک‌ها دارد (با ضریب مسیر ۰/۳۴۸ و مقدار t ، ۸/۲۶) به منظور بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی و متغیرهای جمعیت شناختی پرسشنامه بر چابکی بانک‌ها، رگرسیون متغیر چابکی بانک‌ها بر حاکمیت شرکتی و مؤلفه‌های آن و نیز متغیرهای جنسیت، سن، تحصیلات و سابقه کار اجرا شد. جدول ۶ نتایج تخمین مدل رگرسیونی سنجش تاثیر حاکمیت شرکتی و متغیرهای جمعیت شناختی بر چابکی بانک‌ها را به نمایش می‌گذارد.

جدول (۶): نتایج تخمین مدل رگرسیونی (تاثیر حاکمیت شرکتی و متغیرهای جمعیت شناختی بر چابکی)

مدل ۱: تاجر		مدل ۲: تاجر		مدل ۳: تاجر		مدل ۴: تاجر		مدل ۵: تاجر		
حاکمیت شرکتی بر چابکی		حفظ حقوق ذی-نفعان بر چابکی		شایستگی هیات مدیره بر چابکی		کیفیت کمیته حسابرسی بر چابکی		شفافیت گزارشگری بر چابکی		
متغیر	ضریب	P-value	ضریب	P-value	ضریب	P-value	ضریب	P-value	ضریب	
مقدار ثابت	۱/۷۲۵	۰/۰۰۰	۳/۱۴۲	۰/۰۰۱	۲/۰۲۴	۰/۰۰۰	۱/۶۲۸	۰/۰۰۰	۲/۲۰۴	۰/۰۰۰
حاکمیت شرکتی	۰/۳۲۵	۰/۰۰۰								
حفظ حقوق ذی‌نفعان			۰/۱۲۸	۰/۰۲۵						
شایستگی هیات مدیره					۰/۰۹۸	۰/۰۳۶				
کیفیت کمیته							۰/۲۰۸	۰/۰۱۲		
شفافیت گزارشگری									۰/۱۶۹	۰/۰۰۶

جنسیت	۰/۰۹۸	۰/۲۸۷	۰/۱۲۴	۰/۱۳۹	۰/۱۸۹	۰/۰۹۸	۰/۰۸۷	۰/۳۴۵	۰/۱۵۶	۰/۱۴۰
سن	۰/۴۲۰	۰/۰۱۵	۰/۳۹۸	۰/۰۲۸	۰/۴۶۳	۰/۰۰۱	۰/۲۵۴	۰/۰۰۰	۰/۳۶۴	۰/۰۱۷
تحصیلات	۰/۱۲۸	۰/۰۰۰	۰/۰۹۸	۰/۰۱۸	۰/۱۰۹	۰/۰۰۹	۰/۰۸۶	۰/۰۱۵	۰/۰۶۹	۰/۰۵۸
تجربه کار	۰/۰۳۷	۰/۱۹۲	۰/۰۶۴	۰/۲۲۹	۰/۰۲۴	۰/۱۱۸	۰/۰۴۲	۰/۱۰۲	۰/۰۶۶۷	۰/۱۷۶
Adj R ²	۴۲/۸۴	۳۶/۳۰	۴۰/۵۲	۳۹/۰۸	۳۸/۳۶					

منبع: یافته‌های پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

موضوع حاکمیت شرکتی در قرن بیست و یکم از یک طرح پیشنهادی تبدیل به یک استراتژی تجاری با اهمیت شده است. مطابق پژوهش‌های گذشته بهینه‌سازی ساختار حاکمیت شرکتی و اصلاح تضاد منافع میان نماینده (مدیر) و ذی‌نفعان منجر به بهبود عملکرد عملیاتی می‌شود. بنابراین انتظار بر این بود که بهبود ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر چابکی سازمانی بانک‌ها به عنوان یکی از ابعاد عملکرد اثرگذار باشد. نتایج این پژوهش نشان داد که حاکمیت شرکتی و چهار محور آن شامل؛ حفظ حقوق ذی‌نفعان، صلاحیت هیات مدیره، ویژگی‌های کمیته حسابرسی و شفافیت گزارشگری تاثیر مثبت و معنی‌داری بر روی چابکی بانک‌های ایرانی دارند. بانک‌ها با بکارگیری ساز و کارهای حاکمیت شرکتی مناسب و با کیفیت می‌توانند به همه ذی‌نفعان از جمله؛ سپرده‌گذاران، سهامداران، مشتریان، کارکنان و آحاد جامعه پاسخگو باشند. همچنین، کمیته حسابرسی مستقل در بانک‌ها سبب می‌شود اعتماد سهامداران و مشتریان جلب شده و ارزش بنگاه اقتصادی، ثروت سهامداران، کیفیت گزارشگری مالی و چابکی سازمانی افزایش یابد. از سوی دیگر، شفافیت اطلاعات سبب اخذ تصمیمات هوشمندانه در خصوص فرآیندهای درونی و بیرونی و تخصیص بهینه منابع در بانک شده و در نهایت عملکرد چابکی افزایش می‌یابد. افزون بر این، حاکمیت شرکتی با کیفیت؛ بانک‌ها را توانمند می‌سازد تا تغییرات را تشخیص داده و ضمن واکنش سریع، بهره لازم را از آن‌ها ببرند. همچنین، بانک‌ها بتوانند به فرآیندهای مختلف جریان دهند و برای برخورد با بی‌ثباتی اقتصادی و نوسانات بیش از حد، توانایی انجام فعالیت‌ها در کمترین زمان ممکن را داشته باشند و به طور کلی چابک شوند. بنابراین این یافته‌ها مشابه یافته‌های؛ نگوین (۲۰۲۲)، ال کارانی (۲۰۲۲)، جلالی و ذوقلمی (۲۰۲۲)، عیسی و همکاران (۲۰۲۲)، عباسی اخگری و نصیری ولیک (۱۴۰۰) است که نشان دادند یک رابطه معنی‌دار میان حاکمیت شرکتی و عملکرد بانک‌ها وجود دارد. پیشنهادهای برگرفته از پژوهش به شرح زیر می‌باشند:

- ۱- به مالکان و سهامدارن توصیه می‌شود برای رشد ثروت خود در یک بازار رقابتی و یا تثبیت وضعیت کسب و کار خود در یک محیط در حال تغییر، ساز و کارهایی مانند؛ استخدام اعضای هیات مدیره متخصص و با تجربه، استقرار فرآیندهای نظارتی، مشاوره‌ای و گزارشگری مبتنی بر فناوری اطلاعات و تسهیل انتقال دانش را در درون بانک‌ها برقرار نمایند تا چابکی سازمانی افزایش یابد.
- ۲- مدیران عامل و هیات مدیره بانک‌ها نیز با علم به این‌که بانک‌ها در محیطی در حال تغییر و نیازمند فناوری اطلاعات فعالیت می‌کنند و باید چالاک باشند، می‌توانند از نتایج این پژوهش برای بهبود ساز و کارهای حاکمیت شرکتی استفاده نمایند.
- ۳- به سیاست‌گذاران سطوح خرد و کلان اقتصادی مانند؛ بانک مرکزی، وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان بورس توصیه می‌شود جهت بهبود سازوکارهای حاکمیت شرکتی مرتبط با مدیریت، نظارت و ساختار مالکیت بانک‌ها، مقررات و قوانین حاکمیت شرکتی جامع و کارایی را طراحی و تدوین نمایند و آن‌ها را به بانک‌ها ابلاغ نمایند. زیرا طبق یافته‌های این پژوهش، از دیدگاه خرد اقتصادی، بهبود ساز و کارهای حاکمیت شرکتی منجر به بهبود چابکی و به طور کلی بهبود عملکرد بانک‌ها شده و بهبود عملکرد بانک‌ها در سطح خرد و در ابعاد چابکی و عملیات مالی، تاثیر مثبت و معنی‌داری بر شاخص‌های کلان اقتصادی نظیر اشتغال و رشد اقتصادی خواهند داشت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. اسعدی، عبدالرضا، و ابری، محمد علی (۱۳۹۹). اثر ساختار مالکیت و حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانکها. *پژوهش‌های اقتصاد پولی و مالی*، ۲۷(۱۹)، ۲۴۷-۲۲۳.
۲. اعوانی، علیرضا، شهاب، محمد رضا، و دانایی، ابوالفضل (۱۳۹۶). شناسایی و رتبه‌بندی عوامل تاثیرگذار بر چابکی سازمانی بر پایه برون سپاری. *فصلنامه مدیریت منابع انسانی در صنعت نفت*، ۹(۳۴)، ۱۴۴-۱۱۵.
۳. تقی نتاج، غلامحسین، بحری ثالث، جمال، و قادری، قدرت (۱۳۹۷). تاثیر کیفیت حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانکها با تاکید بر نقش تعدیل‌کنندگی کیفیت افشاء. *فصلنامه مطالعات مالی و بانکداری اسلامی*، ۴(۸)، ۱۵۱-۱۲۷.
۴. ذوالفقاری، مهدی، واعظ، سید علی، و خدامرادی، محمد (۱۴۰۰). تاثیر ارتباطات سیاسی و حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانکها در شرایط بروز بحران مالی. *فصلنامه اقتصاد مالی*، ۱۵(۵۵)، ۲۱۵-۱۹۱.
۵. طاهری، ماندانا، و امینی، یاسین (۱۳۹۹). نقش حاکمیت شرکتی و رعایت حقوق ذی‌نفعان در بانکداری اسلامی. *مجله تحقیقات مالی اسلامی*، ۱۰(۱)، ۳۸-۱.
۶. طبائی زاده فشارکی، حمید، محمدپور زرنندی، محمد ابراهیم، و مینوئی، مهرزاد (۱۳۹۷). تاثیر حاکمیت شرکتی بر سلامت مالی بانکهای تجاری ایران. *فصلنامه حسابداری مدیریت*. ۳۸(۱۱)، ۱۰۹-۱۲۶.
۷. عباسی اخگری، سمیرا، و نصیری ولیک، فخرالسادات (۱۴۰۰). بررسی رابطه سبک رهبری اخلاقی و شفافیت سازمانی با چابکی سازمان. *نشریه اخلاق در علوم و فناوری*. ۱۶(۴)، ۱۷۵-۱۷۲.
۸. عزیزی، آریا (۱۳۹۸). نقش حاکمیت شرکتی در شبکه بانکی کشور. *فصلنامه مطالعات نوین بانکی*، ۲(۴)، ۴۰-۲۵.
۹. فتحه، محمد حسین، و حسن پور، احمد (۱۴۰۱). ویژگی‌های کمیته حسابرسی و عملکرد بانکها. *پژوهش‌های حسابداری و راهبری شرکت*. ۱(۲)، ۲۴-۷.
۱۰. قلیچ، وهاب (۱۳۹۴). جایگاه و ابزارهای حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری اسلامی. *فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۵(۱۴)، ۸۷-۱۱۰.

۱۱. کلائی، مرجان، و نوری‌زاده، حسن (۱۳۹۷). اصول حاکمیت شرکتی از منظر بانکداری اسلامی در مقایسه با اصول متعارف در بهبود نظام اعتباری بانک‌ها. *فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۲۴، ۱۶۹-۲۰۰.
۱۲. محرابی، لیلا (۱۳۹۸). آشنایی با اصول حاکمیت شرکتی بانک‌های اسلامی در مقایسه با بانک‌های متعارف. *فصلنامه راهبرد توسعه*، (۳) ۱۵، ۴۶-۷۷.
۱۳. منصورنیا، راضیه، صفری، محمود، و اولادیان، معصومه (۱۳۹۹). شناسایی عوامل اثرگذار بر چابکی سازمانی در دانشگاه فرهنگیان: مطالعه گردند تئوری. *مجله جامعه شناسی آموزش پرورش*، (۲) ۶، ۶۳-۷۴.
14. Bhattarai, Himel. (2017). "Effect of Corporate Governance on Financial Performance of Bank in Nepal". *International Journal of Multidisciplinary Research*, vol 7, pp.97-110.
15. Börjesson, Anna., & Lars, Mathiassen. (2005). "Improving Software Organizations: Agility Challenges and Implications". *Information Technology & People*, vol.18, pp.359-82.
16. Chung, s., Young lee, k., & Kim, K. (2014). "Job Performance through Mobile eEnterprise System: the Role of Organization Agility, Location Independence and Task Characteristics". *Information and Management Journal*, vol.51, pp.605-617.
17. Coulson-Thomas, Colin. (2007). "Developing Directors; A Handbook for Building an Effective Boardroom Team". Peterborough, Policy Publications.
18. Coulson-Thomas, Colin. (2021). "Strategic Thinking and Corporate Governance". *Effective Executive*. vol.24, pp.7-29.
19. Daniel, V., and Avella, Lucí. (2006). Agile manufacturing: Industrial case studies in Spain. *Technovation*, 26, 1147- 1161.
20. Dobrev, Stanislav., Tai-Young, Kim., and Michael, Hannan. (2001). "Dynamics of Niche Width and Resource Partitioning". *American Journal of Sociology*, vol.106. pp.129-137.
21. Doz, Yves. (2020). "Fostering Strategic Agility: How Individual Executives and Human Resource Practices Contribute". *Human Resource Management Review*. vol30, pp.93-100.
22. El-Chaarani, Hani., Rebecca, Abraham and Yahya, Skaf. (2022). "The Impact of Corporate Governance on the Financial Performance of the

- Banking Sector”. *Journal of Risk and Financial Management* . vol.15, pp.70-82.
23. Faysal, Saad., Mahdi, Salehi and Mahdi, Moradi. (2020). “The Impact of Ownership Structure on the Cost of Equity in Emerging mMarkets”. *Management Research Review*, vol.43, pp.121–139.
24. Issa, Jabber. & Mohammadreza, Abbaszadeh. (2023). “The Effect of Corporate Governance in Islamic Banking on the Agility of Iraqi Banks”. *Journal of risk and financial management*, vol.16, pp.1-22.
25. Jallali, Safa and Faten Zoghlami. (2022). “Does Risk Governance Mediate the Impact of Governance and Risk Management on Banks’ Performance? Evidence from a Selected Sample of Islamic Banks”. *Journal of Financial Regulation and Compliance*, vol.30, pp.439–464.
26. Lehn, Kenneth. (2021). “Corporate Governance and Corporate Agility”. *Journal of Corporate Finance*. vol.66 , pp.19-29.
27. Li, Yongping, A., Sobri, H., Liangliang, Z., Riza, S., & Alrabaiah, H. (2022). The relationship investigating between decision support and departmental agility with the mediating role of departmental learning in bank branches. *Information Processing & Management*, 59, 1028-47.
28. Mirchandani, A & Gupta, N. (2018). “Impact of Ownership Structure and Corporate Governance on the Performance: A Case of Selected Banks in UAE”, *International Journal of Economics and Financial Issues*, vol.8, No.3, pp.197-206.
29. Nguyen, Quang Khai. (2022). “Audit Committee Structure, Institutional Quality, and Bank Stability: Evidence from ASEAN Countries”. *Finance Research Letters*, vol.46, pp.1023-69.
30. Salehi, Mahdi, Ali Daemi Gah, Farzana Akbari & Nader Naghshbandi. (2021). “Does Accounting Details Play an Allocative Role in Predicting Macroeconomic Indicators? Evidence of Bayesian and Classical Econometrics”. *International Journal of Organizational Analysis*, vol.29, pp.194–219.
31. Salem, Rami, Muhammad Usman, & Ernest Ezeani.(2021). “Loan Loss Provisions and Audit Quality: Evidence from MENA Islamic and Conventional Banks”. *The Quarterly Review of Economics and Finance*, vol.79, pp.345–359.

32. Sehen Issa, Jabbar, Mohammad Reza, Abbaszadeh & Mahdi, Salehi. (2022). "The Impact of Islamic Banking Corporate Governance on Green Banking". *Administrative Sciences* vol.12, pp.182-190.
33. Senan, Nabil Ahmed Mareai, Aida Abdulaziz Ali Noaman, Borhan Omar Ahmad Al-dalaïen, & Eïssa, Al-Homaidi. (2021). "Corporate Social Responsibility Disclosure and Profitability: Evidence from Islamic Banks Working in Yemen". *Banks and Bank Systems*, vol.16, pp.91-102.
34. Sivaprasad, Sheeja and Sudha Mathew. (2021). "Corporate Governance Practices and the Pandemic Crisis". *Corporate Governance*, vol.21, pp.83-96.
35. Tessem, A. (2019). "The Impact of Corporate Governance and Political Connections on Information Asymmetry: International Evidence from Banks in the Gulf Cooperation Council Member Countries". *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, vol.35, pp.1-17.
36. Weber, Yaakov & Shlomo, Tarba. (2014). "Strategic Agility: A State of the Art Introduction to the Special Section on Strategic Agility". *California Management Review*, vol.56, pp.5-12.
37. Zimon, G., Arianpoor, A., & Salehi, M. (2022). Sustainability Reporting and Corporate Reputation: The Moderating Effect of CEO Opportunistic Behavior. *Sustainability*, 14, 1257.

